

به بهانه برگزاری سی و پنجمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان:

## سینمای کودک؛ آن چیزی که هست و آن چیزی که باید باشد

تولید آثار کودک و نوجوان داریم برعکس جهان است. تمرکز در جهان شدیداً روی تولیدات آثار کودک و نوجوان بالاتر رفته. مدیریت کلان ما حتی به جهان نگاه کرد که چرا جهان دارد روی کودکان و نوجوانان سرمایه‌گذاری می‌کند. چون آنها آینده‌ساز جهان هستند و با سینما آنها را تسخیر کرد. با تولید چهار، پنج فیلم کودک در هر سال، اثر ماندگار نخواهیم داشت

همان‌گونه که اشاره شد این دو جریان از دهه ۸۰ و با کم‌شدن تولیدات، افول بیشتری پیدا کرد. تا جایی که در سال‌های گذشته تولید آثار کودک و نوجوان به ۳ الی ۷ فیلم در سال تقلیل پیدا کرده، طبق آمار منتشرشده، در سال ۱۴۰۰، تنها ۳ فیلم پیشی می‌شود، گل به خودی و شهر گربه‌ها در اکران سینمای کودک و نوجوان بوده که این آمار در سال ۱۴۰۱ به ۷ فیلم افزایش پیدا کرد. آماري که می‌تواند یکی دیگر از دلایل مهم حضور پیدا نکردن سینمای کودک ایران در جهان باشد.

خیلی از آثاری که تولید می‌شود برای سینمای کودک و نوجوان نیست بلکه هجویاتی است که به اسم سینمای کودک و نوجوان ارائه می‌شوند.اثره ترکیباتی به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: در یک مقایسه با سینمای بلند و بزرگسال می‌توان گفت که تعداد زیادی اثر در سینمای بزرگسال ساخته شده که از بین تمام آنها، چند فیلم خاص جهانی شده‌اند اما در سینمای کودک و نوجوان کلا ۵ الی ۶ فیلم تولید می‌شود و ما توقع داریم ۴ فیلم بدرخشند درحالی که چنین اتفاقی نمی‌افتد.

کارگردان فیلم گورداله، برگزیده بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان، با اشاره به کمبود آثار و نبود محتوای مناسب برای کودکان در این آثار گفت: خیلی از آثاری که تولید می‌شود برای سینمای کودک و نوجوان نیست بلکه هجویاتی است که به اسم سینمای کودک و نوجوان ارائه می‌شود. درست است بخشی از تقصیر به گردن فیلمسازي است که این هجویات را می‌سازد اما بخش دیگر آن نیز تقصیر شوراها و مدیرانی است که تصمیم گرفتند این نوع فیلم‌ها ساخته شود و جای آن فیلم‌ها را بگیرد. چرا فیلمنامه‌ها باید با سلیقه مدیران شوراها نوشته شود؟

**تربیت اجتماعی کودکان به فراموشی سپرده شده**  
باید سینمای سازنده و دغدغه‌مند را دوباره و در کنار سینمای گیشه هم رشد نمی‌کند. رشد سینمای گیشه بسته

سینمای گیشه پرورش دهیم و برای آن هزینه کنیم.جوهریان ضمن تاکید دلایل افول سینمای کودک ایران در جهان گفت: ما کودک ایرانی را به عنوان کودکی معصوم و ساده داشتند این فیلم‌ها طبعاً در گیشه فروش بالایی نداشت و مخاطب خاص داشته. همین فیلم‌ها بسر روی کارگردانان سینمای گیشه تاثیر می‌گذارد.

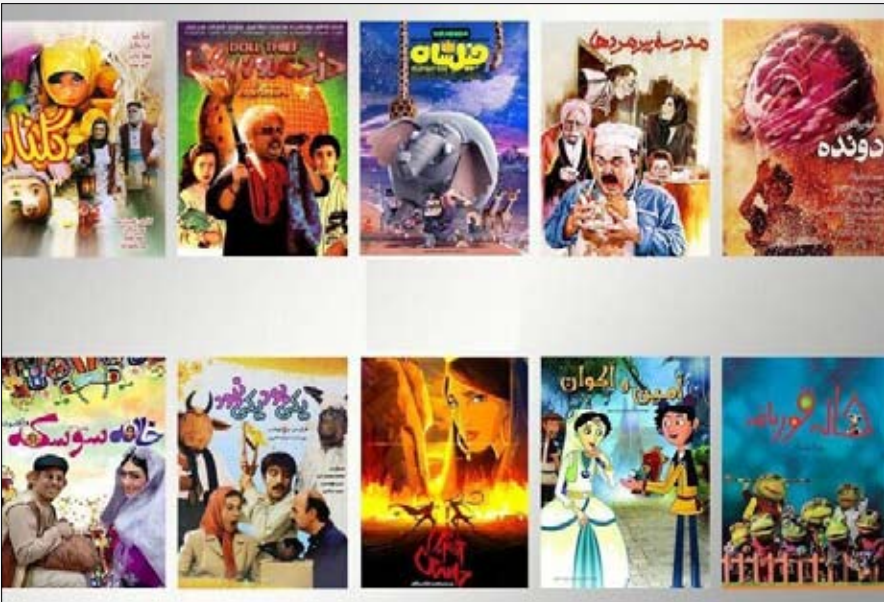
سینمای گیشه به جهت حمایت مالی سینما باید رونق خود را داشته باشد چرا که فرهنگ در تمام دنیا وقتی رشد کرده که حامی مالی داشته باشد. پس حضور این دو سینما کنار هم درست است. اگر سینمایی دغدغه‌مند نباشد، سینمای گیشه هم رشد نمی‌کند. رشد سینمای گیشه بسته به سینمای دغدغه‌مند است. فیلم‌های دونه یا خانه دوست کجاست را هنرمندانی ساخته بودند که نگاه هنری و فرهنگی داشتند این فیلم‌ها طبعاً در گیشه فروش بالایی نداشت و مخاطب خاص داشته. همین فیلم‌ها بسر روی کارگردانان سینمای گیشه تاثیر می‌گذارد.

بنابراین می‌توان در یک مقایسه با سینمای دهه‌های بعدی نتیجه گرفت که از بسین رفتن این دو جریان و عدم توجه به تقسیم‌بندی دهه‌های قبلی، در حال حاضر جولان سینمای کودک ایران در جهان را عملاً غیر ممکن ساخته است.

**متولیان سینمای دهه ۶۰، حامی حضور سینمای کودک در جهان بودند**  
نادره ترکیباتی یکی از دلایل افول سینمای کودک و نوجوان را از بین رفتن این تقسیم‌بندی و به هم ریختن فضای تولید می‌داند و با اشاره به مدیریت فرهنگی سینما در آن سال‌ها می‌گوید: مدیریت کلان در حوزه سینما این تفکر را داشت که ما باید آثاری را تولید کنیم که به جهان هم عرضه شود.

بنابراین می‌توان گفت سینمای کودک این روزها در مقایسه با دهه‌های ۶۰ و ۷۰ جریان تقسیم‌بندی شده تولید خود را از دست داده و نه تنها در جهان که در ایران نیز مخاطبان کمتری دارد. علاوه بر آن در دست‌رفتن جریانی که هم مخاطب داخلی با آن همراه بود و هم مخاطب جهانی، تعدد تولید آثار نیز رو به افول گذاشت و در سال‌های گذشته خصوصاً دو سال اخیر زیر ۱۰ اثر در سینمای کودک و نوجوان تولید شده. لزوم رشد دوباره سینمای دغدغه‌مند در کنار سینمای گیشه و همچنین تعدد تولید آثار با حمایت متولیان سینمای کودک، از نکاتی که به اقبال از سینمای کودک هم در ایران هم در حقیقت کمک می‌کند.

منبع: خبرآنلاین



سینمای گیشه به جهت حمایت مالی سینما باید رونق خود را داشته باشد چرا که فرهنگ در تمام دنیا وقتی رشد کرده که حامی مالی داشته باشد. این تقسیم‌بندی و جداسازی که در سینمای کودکان و نوجوان اتفاق افتاده بود نکته مثبتی از نظر مهین جوهریان نیز بود. این انیماتور و داور جشنواره کودک و نوجوان ضمن تاکید این تقسیم‌بندی می‌گوید: سینما دو جنبه دارد؛ سینمای گیشه یعنی فیلمی که برای فروش ساخته می‌شود و سینمای دغدغه‌مند و اثرگذار که صرفاً برای فروش گیشه ساخته نشده است. مانند فیلم‌های کانون پرورش فکری. این‌ها فیلم‌هایی هستند که به فیلمسازان جهت می‌دهد و تاثیر فرهنگی می‌گذارد.

سینمای گیشه به جهت حمایت مالی سینما باید رونق خود را داشته باشد چرا که فرهنگ در تمام دنیا وقتی رشد کرده که حامی مالی داشته باشد. پس حضور این دو سینما کنار هم درست است. اگر سینمایی دغدغه‌مند نباشد، سینمای گیشه هم رشد نمی‌کند. رشد سینمای گیشه بسته به سینمای دغدغه‌مند است. فیلم‌های دونه یا خانه دوست کجاست را هنرمندانی ساخته بودند که نگاه هنری و فرهنگی داشتند این فیلم‌ها طبعاً در گیشه فروش بالایی نداشت و مخاطب خاص داشته. همین فیلم‌ها بسر روی کارگردانان سینمای گیشه تاثیر می‌گذارد.

بنابراین می‌توان در یک مقایسه با سینمای دهه‌های بعدی نتیجه گرفت که از بسین رفتن این دو جریان و عدم توجه به تقسیم‌بندی دهه‌های قبلی، در حال حاضر جولان سینمای کودک ایران در جهان را عملاً غیر ممکن ساخته است.

**متولیان سینمای دهه ۶۰، حامی حضور سینمای کودک در جهان بودند**  
نادره ترکیباتی یکی از دلایل افول سینمای کودک و نوجوان را از بین رفتن این تقسیم‌بندی و به هم ریختن فضای تولید می‌داند و با اشاره به مدیریت فرهنگی سینما در آن سال‌ها می‌گوید: مدیریت کلان در حوزه سینما این تفکر را داشت که ما باید آثاری را تولید کنیم که به جهان هم عرضه شود.

بنابراین می‌توان گفت سینمای کودک این روزها در مقایسه با دهه‌های ۶۰ و ۷۰ جریان تقسیم‌بندی شده تولید خود را از دست داده و نه تنها در جهان که در ایران نیز مخاطبان کمتری دارد. علاوه بر آن در دست‌رفتن جریانی که هم مخاطب داخلی با آن همراه بود و هم مخاطب جهانی، تعدد تولید آثار نیز رو به افول گذاشت و در سال‌های گذشته خصوصاً دو سال اخیر زیر ۱۰ اثر در سینمای کودک و نوجوان تولید شده. لزوم رشد دوباره سینمای دغدغه‌مند در کنار سینمای گیشه و همچنین تعدد تولید آثار با حمایت متولیان سینمای کودک، از نکاتی که به اقبال از سینمای کودک هم در ایران هم در حقیقت کمک می‌کند.

موش‌ها، گلنار، یکی بود یکی نبود، کلاه قرمزی و سروزان، خواهران غریب، مرای شیرین و ... و هم آثاری که جزئی از سینمای سازنده و آموزنده آن دوران بوده‌اند؛ مانند رنگ خدا، دختری با کفش‌های کتانی، پدر، بادکنک سفید و ... نادره ترکیباتی در گفت‌وگو با ایرنا ضمن اشاره به جست‌وجوهای شخصی خودش که درصدد بسودنه بانک اطلاعاتی برای سینمای کودک و نوجوان تهیه کند، از یک تقسیم‌بندی در دهه‌های پیشین سینمای کودکان و نوجوانان سخن می‌گوید: تولید در سینمای ما در سال‌های مختلف تقسیم‌بندی شده بود. بخشی از این تولیدات عمدتاً جریان ورود به سینمای بین‌المللی را طی می‌کرد، بخشی از آثار برای کودکان و نوجوانان در اکران فیلم‌ها تهیه می‌شده که اکران پرچوش‌خورشی داشته و بچه‌ها از آن لذت می‌بردند، تعدادی از آثار فقط برای کودک ساخته می‌شده، تعدادی از آثار فقط برای نوجوان و تعدادی نیز همه افراد خانواده را به سینما می‌کشاند.

**کلاه قرمزی برای ایران، مشق شب برای جهان**  
ترکیباتی با توجه به این دسته‌بندی، فیلم‌هایی که به سینمای بین‌الملل راه پیدا می‌کردند را از آثاری که برای سرگرمی و آموزش به کودکان ساخته می‌شده‌اند، جدا کرده و می‌گوید: اگر در حال حاضر جلسه‌ای بین فیلمسازان کودک و نوجوان برگزار و طرح‌ها خوانده شود، آن طرحی که درباره کودک و نوجوان است و مخاطب آن بزرگسال است به نوجوانان عرضه می‌کند. دونه، خانه دوست کجاست و ... الزاما مخاطب کودک و نوجوان نداشتند.

شاید کودک و نوجوان نیز از آن لذت می‌برد اما این آثار برای گروه بزرگسال ساخته شده بود. آثاری که بیشتر حاوی نقد اجتماعی و فرهنگی بوده، بیشتر به جشنواره‌های سیاسی راه پیدا می‌کرد. گلنار و شهر موش‌ها مگر به جشنواره‌های خارجی راه پیدا کردند؟ کلاه قرمزی و شهر موش‌ها حتی به جشنواره کودک و نوجوان نیز نیاوردند؛ درحالی که مخاطب خیلی از آن استقبال کرد. درون‌مایه اغلب فیلم‌هایی که به جشنواره‌ها راه پیدا می‌کردند راطرح مساله یا موضوع اجتماعی درباره کودکان تشکیل می‌داد. پس وقتی تاکید داریم سینمای کودک باعث شد سینمای ایران به جهان معرفی شود منظورمان این نوع فیلم‌هاست. فیلم‌هایی که الزاماً برای کودکان نیست بلکه درباره کودکان است. مثلاً فیلم مشق شب فیلمی نیست که کودک بتواند آن را درک کند چون این فیلم برای آن بچه نیست اما آن فیلم در گروه کودک و نوجوان قرار می‌گیرد چون درباره کودک و نوجوان است.

**رشد سینمای گیشه بسته به سینمای دغدغه‌مند است**  
سینمای گیشه از آن استقبال می‌کرده وجود دارد مانند شهر

ایرنا نوشت: از دهه ۶۰ و ۷۰ سینمای ایران به عنوان دهه‌های طلایی سینما یاد می‌شود، دهه‌هایی که اقبال به سینما در ایران با سینمای کودک پا گرفت و بعدتر با «دونه»، «خانه دوست کجاست»، «بچه‌های آسمان» و ... جهانی شد. مقایسه آن روزها با سینمای امروز کمی تلخ به نظر می‌رسد اما شاید تلنگری باشد تا بتوان سینمای کودک ایران را در محتوا و جریان‌سازی به آن روزها نزدیک تر کرد.

فیلمسازان به رعایت نکاتی مطابق فضای جدید ایجاد شده پس از انقلاب، میان مردم آن دوران طرفدار پیدا کرد و هر شکل دیگری از فیلم نیز در دسترس مردم قرار می‌گرفت از آن استقبال می‌شد اما نادره ترکیباتی در این باره به ایرنا گفت: درست است که سینمای دهه ۶۰ به دلیل نبود فیلم‌های بلند دیگر رشد کردند یا شرایط در آن روزها به گونه ای بود که امکان دسترسی گسترده به فیلم‌های جهان نبود، اینترنت همه گیر نشده بود و تلویزیون نیز تعداد کانال‌های خیلی کمی داشت اما مدیریت دولتی به فیلمساز اعتماد می‌کرد. ممکن بود فیلمسازي فقط قصه را داشته باشد اما مدیر به فیلمساز اعتماد می‌کرد که فیلم بسازد و نتیجه آن فیلم‌هایی شد که در دهه های ۶۰ و ۷۰ دیدیم.

راجر ایبرت نیز به این محدودیت‌ها اشاره می‌کند اما آن را پوئن مثبتی برای سینمای ایران می‌داند: نادری، کیارستمی و بیضایی در مصاحبه‌های جداگانه‌ای از تصمیم متقابل خود برای ساختن فیلم درباره کودکان برای من یاد کردند، زیرا محدودیت‌های محتوایی جدید رژیم (مثلاً پوشیدن حجاب) حتی زندگی بزرگسالان را نیز دراماتیک کرده است. این المثلی سینمای پس از انقلاب تبدیل شد. دونه اول شد و بعد کیارستمی با خانه دوست کجاست؟ و بیضایی هم باشو، غریبه کوچک را ساخت.

بنابراین می‌توان گفت که با وجود محدودیت‌ها و فضای جدید ایجاد شده، اعتماد کلون به فیلمسازان تازه‌کاری چون بیضایی، کیارستمی، مهرجویی و ... که بعدها از نام‌داران سینمای ایران شدند باعث شد هم وجهه داخلی سینمای ایران با کودکان و نوجوانان عین شود و هم تصویر بین‌المللی ایران در ذهن جهانیان با این سبک از سینما گره بخورد.

خسرو دهقان در مقاله‌ای تحت عنوان چند و چون سینمای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در محله آنگاه نوشته: بدبختی خوبی و طبیعی بین کانون و موج نو جریان می‌یابد. هر کدام به اعتبار دیگری می‌افزاید و همین‌طور که موج نو، راه و رسم خود را می‌سوزد، کانون هم جر نمی‌زند و در خط سینمای دیگر باقی می‌ماند. در این فهرست‌ها به نام‌های مهجور در عالم فیلم و سینما برمی‌خوریم؛ می‌بینیم که فیلم‌سازانی هستند که در طول زندگی، یکی نوبت فیلم ساخته‌اند؛ آن هم به برای کانون بوده است. کانون زمینه طبع آزمایی افرادی که دوست داشته‌اند، به‌غیر از حرفه خودشان، فیلم بسازند را نیز فراهم کرده است. در این فهرست ریسک و سرمایه‌گذاری روی جوانان و نام‌های ناشناختی دیده می‌شود.

**تقسیم‌بندی تولیداتی در سینمای کودک و نوجوان**  
اما هر چه در تاریخ سینمای کودک و نوجوان جلوت از دهه ۷۰ می‌آییم، این رشد و استقبال رو به افول می‌رود و همزمان سینمای گیشه هم مخاطب آن را بیسود می‌ماند. در سینمای ایران در جهان باشد کم‌رنگ‌تر می‌شود. به علاوه تعدد تولیدات نیز به شدت کاهش می‌یابد.

میزان تولید آثار در سال‌های ۶۰ تا ۸۰ به قدری بوده که در نظرسنجی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی که با همکاری دبیرخانه جشنواره سی و یکم فیلم کودک و نوجوان برگزار شده، از بین فیلم‌های چهار دهه اخیر، ۱۹۹ فیلم برتر سینمای کودک و نوجوان را انتخاب کردند که در این بین تعدد و تکثر آثار در دهه های ۶۰ تا ۸۰ به قدری بوده که بیش از ۱۰۰ انتخاب آنان به فیلم‌هایی از دهه های ۶۰ تا ۸۰ اختصاص دارد. در این بین هم فیلم‌های سرگرم کننده که سینمای گیشه از آن استقبال می‌کرده وجود دارد مانند شهر

## عصر آزادی

روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی

صاحب امتیاز: مؤسسه مطبوعاتی پیمان

مدیر عامل و مدیر مسئول: سید فرید پیمان

رییس هیئت مدیره و سردبیر: دکتر سید وحید پیمان

لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

گروه ۴ بنده معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی امتیاز: ۴۷/۴

نشانی:

تهران - خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد - پلاک ۹۷ - طبقه سوم

صندوق پستی: ۷۱۸۴-۱۵۸۷۵

آدرس تبریز: خیابان المان، جنب بن بست یابوری،

ساختمان آرکا ۱ طبقه اول

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۸۴۵۴

مسئول آگهی‌ها: ۰۴۳۰۰۴۳۶۶۰۰۹۱۲۴۶۶۰

لینک تلگرام: [https:// telegram.me /asrazadi.ir](https://telegram.me/asrazadi.ir)

Email: [asrazadi4@gmail.com](mailto:asrazadi4@gmail.com)

[www.asrazadionline.ir](http://www.asrazadionline.ir)

## یادداشت

### سلاح فرهنگ، ناموس ملت!

همه ما با واژه های جان، مال و ناموس آشنایی کامل داریم و می دانیم که در طول زندگی ما انسان ها، همواره جان فدای مال، مال فدای جان و جان و مال فدای ناموس ناموس شده و می‌شود اما هیچگاه این تصور بوجود نمی آید که ناموس، فدای جان و مال شود و این موضوع در زندگی بشر، از بدیهیات عقلی به شمار می‌آید.

حال باید دید ناموس چیست و چرا باید جان و مال را فدای آن کرد؟ با نگاه کلی، ناموس یعنی زن، خواهر، مادر، دختر و شخص موثی که نسبتی هم با شخص داشته باشد (و یا شاید هم نداشته باشد) و اگر

هر زمانی، افراد مذکور در معرض خطر و تهدید قرار گرفته باشند، اشخاص وابسته به آنها به شدت از خود عکس العمل نشان داده و از ناموس خود دفاع می کنند و همه اینها در فرهنگ عمومی ما، موضوع کاملاً قابل فهم و پذیرفته شده ای است. اما آیا تاکنون برای شما این پرسش مطرح شده است که چرا در دوران خدمت سربازی به سربازان یادگانه‌ای آموزشی، این موضوع را تفهیم می کنند که اسلحه ناموس توست و باید مانند دیگر ناموس از آن مراقبت کنی؟ آیا بین اسلحه و ناموسی که قبلاً نام بردیم، سختی وجود دارد یا موضوع چیز دیگری است؟

پس از تحقیق و بررسی در باره موضوع مورد بحث، به این واقعیت دست می یابیم که علت اصلی اطلاق واژه ناموس بر اسلحه، ایجاد و برقراری حساسیت بالا در ذهن سربازان برای محافظت از اسلحه است و چون افرادی که وارد پاسگاه ها و سربازخانه ها می شوند از لحاظ بهره مندی از سواد و معلومات دارای درجات متفاوتی می باشند، نظام مدیریت حاکم بر سربازان ترجیح داده است تا از باورهای رایج جامعه برای تبیین اهمیت اسلحه و میزان ضرورت محافظت از آن استفاده کند. در غیر این صورت اگر می خواستند از راه های دیگری به این نتیجه دست یابند بی شک زمان زیادی باید صرف انتقال این مفهوم به سربازان می شد.

از طرفی این واقعیت وجود دارد که اگر بر سهیل انگاری سربازان، سلاح آنان به دست تبهکاران بیفتد، جابج غیر قابل تصویری بر اثر می آید و نظم و امنیت جامعه را با خطرناک بسیار زیادی مواجه می سازد.

شخصیت کسی که برای نخستین بار به این مفاهیم دست یافته قابل تحسین است و بی تردید از هوش و ذکاوت بالایی برخوردار بوده است.

اکنون توجه به این مسئله بسیار مهم است که بدانیم اگر در فرهنگ عامه، اشخاص موث و در یادگان ها اسلحه ناموس تلقی می شوند پس برای اهل علم، فرهنگ، هنر و ادب؛ که خود را یک سرگورندن از عامه مردم بالاتر می دانند (از لحاظ معلومات) چه چیزی ناموس تلقی می گردد و همانند ناموس از برچه اهمیت بالایی برخوردار است و به همان اندازه، ضرورت محافظت از آن در برابر خطرات و تهدیدات جدی گرفته می شود؟

در دنیای امروز و در عرصه های مختلف؛ هویت و بویژه هویت فرهنگی از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار است و یکی از اصلی ترین معیارهای ارزشیابی جوامع مختلف، میزان بهره مندی آنان از هویت فرهنگی می باشد که به همین خاطر یک مسابقه نفس گیر، مابین این جوامع در جریان است تا هر یک خود را جامعه ای فرهنگی تر و دارای مبانی و پیشینه فرهنگی قوی تر و غنی تری معرفی کنند.

در چنین شرایطی لازم است تا هر ملتی به داشته های فرهنگی خود افتخار کند و راه های تجاؤز و مخدوش سازی فرهنگی را بر مهاجمان مسدود سازد و اگر چنین اقدامی صورت نگیرد در بلند مدت، هیچ هویتی برای آن ملت باقی نخواهد ماند.

پس از بیان مطالب فوق، وقتی صحبت از فرهنگ و اهمیت محافظت از آن به میان می آید، واژه ناموس خودنمایی می کند چرا که اگر بخواهیم به درستی بگویم که فرهنگ و عناصر هویت بخشی فرهنگی برای اهل علم، فرهنگ، هنر و ادب به چه میزان اهمیت دارد، بهترین پاسخ این است: فرهنگ و همه عناصر هویت بخش فرهنگی؛ ناموس ملت است و باید همانند ناموس، مورد مراقبت قرار گیرد و بر مبنای آنچه قبلاً ذکر آن رفت، جان و مال ملت فدای فرهنگ و عناصر هویت بخش فرهنگی میهن باد. مرحوم علامه محمد تقی جعفری (علیه الریحه) می فرمودند که ما در حوزه علمیه انسانی از نقطه نظر تعاریف دارای ضعف‌های شدیدی هستیم و متذکر می‌شوند که علمای این حوزه قبل از هر چیز باید به تعاریف درست واژه های موجود در آن مبادرت ورزند اما هیچگاه سراغ نداریم که کسانی آمده باشند تا یک تعریف صحیح از فرهنگ و میزان اهمیت آن، به مردم ارائه دهند.

این در حالی است که سالانه همایش‌های بسیاری در زمینه های مختلف فرهنگی در کشور برگزار می شود اما دروغ از اینکه کسی یا جریانی بیاید و این موضوع را دغدغه خود قرار دهد و این در حالی است که نسل نوجوان و جوان میهن ما به دلیل بیگانه بودن با فرهنگ اصل خود، دچار فرهنگ زدگی از انواع و اقسام فرهنگها و خرده فرهنگ های غیر ایرانی و گاهی مخرب شده و اگر این مسیر ادامه یابد، در سالهای آتی دیگر اثری از فرهنگ ناب ایرانی نخواهد ماند.

با تأسف باید اعتراف کرد که برخی از فعالان امور فرهنگی، خود در فرهنگ زدگی به سر می برند و از اینکه بیایند و فرهنگ اصیل ایرانی را دست‌نمایه کارهای خود قرار دهند دوری می‌گزینند و در محتوای کارهای برخی از آنها حتی مصادیقی از پرستش فرهنگ بیگانه نیز به وضوح قابل مشاهده است.

تا کجا باید تحمل کرد و حرف نزد و تا کجا باید در جلوی چشمان خود شاهد قربانی شدن عناصر هویت بخش فرهنگ ها و خرده فرهنگ های مربوط به استانهای کشور بود و سکوت را بر فریاد و اعتراض ترجیح داد؟

چرا متولیان امور فرهنگی، آنگونه که باید به این موضوع، توجه ویژه نشان نمی دهند؟

از سوی دیگرعناصر هویت بخش فرهنگی را باید از طریق بررسی شناسنامه‌هایشان بیشتر بشناسیم و بی تردید یکی از مظاهر شناسنامه‌ای فرهنگ این سرزمین، آثار بجای مانده از نیاکانمان است که امروزه از آنها بعنوان میراث فرهنگی می‌شناسیم و به دو بخش میراث مادی یا ملموس و میراث معنوی یا ناملموس تقسیم‌بندی می‌شوند. دستسپرد و سرفقت اشیا و آثار باستانی نیز در کشورمان بی‌داد می‌کند زیرا الگوسازی فرهنگی مناسب برای محافظت از هویت ملی و دینی مان به نحو کارآمد و موثر صورت نگرفته است و افرادی که طمع و اجبر سوداگران بین‌المللی اشیا و آثار عتیقه از ششون، از روی ناگامی و ضعف شدید مالی، به جان میراث فرهنگی می‌چا مانده از نیاکانمان افتاده‌اند و بی رحمانه به تخریب و تجاوز آنها مشغولند.

در حوزه های دیگر نیز وضعیت بهتری مشاهده نمی شود و کم توجهی به فرهنگ اصیل کشور به چشم می خورد و همه اینها رنگ خطرناکی برای کسانی که فرهنگ را همچون ناموس خود می دانند و مراقب و محافظ آن می باشند.

فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می تواند یک ملت را به نابودی کامل سوق دهد و ریشه های حیات اجتماعی و سیاسی را نابود سازد و راه را برای ورود بیگانگان طمعکار هموار کند.

البته بیان مطالب فوق بدان معنا نیست که ما می خواهیم زحمات و تلاشهای انجام شده را نادیده بگیریم اما همه می دانیم که حجم کارهای انجام شده در برابر خرابیها و تخریبهای فرهنگی ناچیز است.

اما باز تذکر این نکته در پایان این نوشتار لازم به نظر می رسد: آری فرهنگ کهن و گران سنگ سرزمین ایران، ناموس ایرانی است و فداکاری ایرانیان در هر نقطه ای از کره زمین چه در داخل میهن و چه در خارج آن، با جان و مال برای محافظت از آن ضروری انکارناپذیر و وظیفه اصلی می باشد.

## وانموده

### در مسیر پیش تولید

**عصر آزادی: سرویس فرهنگی: پیش تولید فیلم کوتاه «وانموده» به نویسندگی و کارگردانی محمدحسین دمانودی و تهیه کنندگی علیرضا اسبوند آغاز شد.**

عصرآزادی آنلاین - علیرضا نیاکان؛ پروانه ساخت وانموده چندی قبل از سوی سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شد تا این فیلم به شکل رسمی وارد مرحله ی پیش تولید گردد.

از سایر عوامل وانموده می توان به شهرام مقصودی جانشین تهیه کننده و مدیر تولید و حمید عبدالحسینی مجری طرح ارتباطات رسانه ای علیرضانیاکان وسیده سعیده اسپبوند، سادات موسوی سالار اشاره داشت.

علیرضا اسپبوند، مهسا ملکی، میلاد فرخی و مریم ناصر خاکی از جمله بازیگرانی هستند که در این پروژه حضور دارند، وانموده بزودی و با انتخاب سایر عوامل و لوکیشن وارد مرحله ی فیلمبرداری خواهد شد.



## اکران خصوصی فیلم "دست پخت مامان" شقایق عوض زاده

نویسنده: شقایق عوض زاده  
مدیر فیلمبرداری: مسعود نیک قلب  
دستیار فیلمبردار: محمد احمدی  
دستیار تصویر: محمد احمدی  
صداپرداز: علی اکبر اعتماد مقدم  
صداگذار: مسعود نیک قلب  
طراح لباس: ملیحه سادات حسینی دلچه  
طراح صحنه: حمید عوض زاده  
گریم: سوزان کریمی  
تدوین: شقایق عوض زاده  
اطلاع رنگ و نور: مسعود نیک قلب  
مدیر تولید: ملیحه حسینی  
ارتباطات رسانه ای: علیرضا نیاکان، سیده سعیده (سپیده) سادات موسوی سالار  
آدرس محل اکران: الهیه، خیابان نلسون ماندلا، مریم شرقی، پلاک ۷۷، طبقه دوم، سینما شهر کتاب.



دستیار کارگردان: ریحانه رفعتی  
منشی صحنه: حسین پناهی  
عکاس پشت صحنه: شجما کبیری

**عصر آزادی / سرویس فرهنگی: فیلم «دست پخت مامان» به نویسندگی، تهیه کنندگی و کارگردانی شقایق عوض زاده روز چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۱۹ با حضور تعدادی از عوامل و بازیگران فیلم در سینما شهر کتاب اکران خواهد شد و بعد از آن در شبکه های تلویزیونی و اینترنتی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.**

عصرآزادی آنلاین - علیرضا نیاکان؛ داستان این فیلم یک روایت ساده از توجه معلمی به دانش آموزی است که وضعیت مالی خوبی ندارد و این موضوع ذهنش درگیر ماجرا می‌کند و با توجه به محدودیت های خود در جستجوی راهی مناسب برای کمک به دانش آموزش میابد، و نگاهی تازه برای حل موضوع را نشان می‌دهد.

عواملی که در تهیه وتولید این فیلم همکاری نموده‌اند عبارتند از

بازیگران

آیدا پورشمس

ابوالفضل غایبی

آمنه عبدالله زاده

تهیه کننده و کارگردان: شقایق عوض زاده